



شهادت مأمور پلیس

در عملیات علیه قاچاقچیان مسلح

مأموران پلیس در درگیری باقاچاقچیان مسلح در استان کرمان نشن نفر از سوداگران مرگ را در هلاکت رساندند. در این عملیات پنج مأمور پلیس زخمی و یک مأمور هم به شهادت رسید. به گزارش «جوان»، فرمانده انتظامی استان کرمان با اعلام این خبر گفت: «شامگاه دوشنبه سوم مردامه مأموران تیم گشت پایگاه شهید «خواجهی» بهر مجرد از توابع کرمان هنگام پیش خودروهای عبوری در حوزه استحفاظی به دو دستگاه خودروی سواری و وانت مشکوک شدند و دستورایست دادند که هر دو خودرو باافزایش سرعت از محل متواری شدند و بلافاصله مأموران اقدام به تعقیب آنها کردند.»

سردار عبدالرضا نظری افزود: «مأموران پلیس در تعقیب و گریز موفق به توقیف خودروی وانت شدند و ۶۹۷ کیلو موادمخدر کشف و یک قاچاقچی شدند دستگیر کردند، اما سرنشینان خودروی پژو پارس به صورت مسلحانه با مأموران درگیر شدند و سپس به سمت محور کرمان به بم گرختند. بدین ترتیب با اعلام این خبر تیمی از مأموران برای کمک به محل اعزام و به تعقیب قاچاقچیان مسلح پرداختند در نهایت در درگیری مسلحانه شش شورر به هلاکت رسیدند و پنج تن از هم‌زمان مجاهد پلیس مجروح و سرهنگ دوم «علی بزرگپور» به شهادت رسید.»

وی بابیان اینکه حال مصدومان در بیمارستان مساعد است، گفت: «در این عملیات علاوه بر مواد مخدر کشف شده، سه قیضه سلاح کلاش، ۱۷ قیضه خشاب و مقادیر زیادی فشنگ جنگی کشف شد.»



۱۵ سال حبس برای قتل برادر

هر مرد جوانی که برادر نشان را به خاطر بدرفتاری هایش به قتل رسانده بودن با اعلام گذشت اولیای دم به حبس محکوم شدند.

به گزارش جوان، شهرپور ۹۹، مأموران پلیس ورمین از کشف جسد مرد جوانی در یک مزرعه بلال باخبر شدند. صاحب زمین که با مأموران تماس گرفته بود در توضیح گفت: «صاحب یک مزرعه بلال در چرک ورمین هستیم. امروز در حال درو کردن بلال‌هایم که ناگهان متوجه شدم دستگاه با ماعی برخورد کرد. از ماشین پیاده و با صحنه و حشنتانکی روبه‌رو شدم. دیدم یک جسد به خاطر بر خورد با دستگاه تکه‌تکه و پاهایش به اطراف پرتاب شده است.»

بعد از تماس آن مرد، مأموران به محل حادثه رفتند و باانتقال تکه‌های جسد به پزشکی قانونی معلوم شد جسد متعلق به مرد ۴۷ساله‌ای به نام اکبر است که باضربت‌قهه کشته‌است بعد از تشخیص هویت، مأموران با تحقیق از خانواده اکبر در یافتند او با برادر کوچک‌ترش به نام رحیم اختلاف داشته و چند بار با هم درگیر شده بودند. با به دست آمدن این اطلاعات، رحیم به عنوان مظنون به قتل باداشت شد تا اینکه در روند بازجویی‌ها به جرمش اقرار کرد. او در شرح ماجرا گفت: «کبر برادر بزرگ‌ترم بود و بیشتر اموال پدرمان را تصاحب کرده بود، اما به پدر رسیدگی نمی‌کرد و او اذیت می‌کرد. پدرم در آرزو آمدن زبانی نداشت و باسنختی زندگی‌اش را می‌گذراند. اکبر زمین‌های کشاورزی را و اراجه کرده بود، اما اجاره‌بهای زمین‌ها را به حساب پدرم واریز نمی‌کرد. او با این رفت‌هایش خیلی مارا اذیت می‌کرد و ما نمی‌دانستیم با چه کنیم.»

منتم ادامه داد: «چندسسال قبل اکبر در یک درگیری خانوادگی برادر کوچکمان را به قتل رساند. او را ببخشیدیم، ولی مادرم از غصه قتل کرد. با فوت پدرم، کینه‌ها با اکبر بیشتر شد. بالاخره تصمیم گرفتم با او صحبت کنم تا تکلیف پدرم مشخص شود و دست از کارهایش بردارد. چند روز قبل از حادثه با او تماس گرفتم تا او را همراه خانواده‌اش به خانمان دعوت کنم. او که فهمیده بود می‌خواهم درباره پدرمان صحبت کنم، دعوت را نپذیرفت. بار د این دعوت‌ها بود که پدرم تصمیم گرفتم او را گوشمالی بدهیم تا شاید تنبیه شود. بعد از این تصمیم پدرم تماس گرفت و گفت اکبر باو درگیر شده و او را به شدت کتک زده‌است. باشنین حرف‌های پدرم کینه ما بیشتر شد، به همین خاطر نقشه قتل را کشیدیم.»

مرد جوان درباره قتل گفت: «روز حادثه بااکبر تماس گرفتم و به دروغ گفتم حوالی چرک زمینی خریده‌ام و خواستم برای دیدن زمین به آنجا بیاید. وقتی اکبر به محل قرار رسید طبق نقشه باقمه‌ای که از قبل تهیه کرده بودم چند ضربه به سر او زدم. سپس با کمک برادرم، جسدش را در مزرعه بلال رها کردیم و به خانه برگشتم.»

با اقرارهای منتم، برادر وی هم دستگیر شد و هر دو راهی زندان شدند و پرونده در حال کامل شدن بود که پدر مقتول اعلام گذشت کرد. به این ترتیب دوبرادر که یکی به اتهام معاونت و دیگری به اتهام قتل در حبس بودند باقرار وثیقه آزاد شدند و پرونده منتم برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. منتم به قتل در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه هفتم دادگاه قرار گرفت. در ابتدای جلسه اولیای دم اعلام گذشت کردند.

مرد جوان در آخرین دفاعش گفت: «رفت‌های برادرم باعث شد چنین تصمیمی بگیرم. بدرفتاری و بداخلاقی‌های اکبر باعث شده بود خانواده تحت تأثیر قرار بگیرند و تحمل این مسئله برایمان سخت شده بود. از قتل او پشیمان نیستم، چون صحبت با او فایده‌ای نداشت. او هر بار برای هر مشکلی پدرمان را به شدت کتک می‌زد، به همین دلیل نگران بودیم. به پدرم آسیب نرزد. برای آرامش خانواده‌م بود که تصمیم گرفتم او را به قتل برسانم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد و با توجه به مدارک موجود در پرونده، رحیم را به ۱۰ سال حبس و برادرش را به پنج سال حبس محکوم کرد.

■ آر مین بینا

مردان خشنی که به اتهام ربودن مرد پولدار بازداشت شده‌اند، مدعی هستند از سوی زنی جوان برای گوشمالی دادن شش‌گی اجیر شده بودند.

به گزارش جوان، چندی قبل مرد ۴۰ ساله‌ای به نام بهنام در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از سه مرد ناشناس به اتهام آدم‌ربایی و ضرب و جرح و سرقت اموالش شکایت کرد.

■ تصادف صوری

شش‌گی در توضیح ماجرا گفت: «من پولدار هستم و وضع مالی خوبی دارم و در خرید و فروش املاک و وسایل خانه فعالیت می‌کنم. چند ساعت قبل با خودروی گرانیقیمتر در یکی از خیابان‌های شمال تهران در حال رفتن به دفتر کارم بودم که یک پژو ۲۰۶ با سه سرنشین جلوی من پیچید و با خودرویم برخورد کرد. خودرو کمی خسارت دید، اما من احساس کردم سرنشینان خودروی پژو مدعی به خودروی من زده‌اند، چون هر سه نفر آنها ماسک به صورت و کلاه هم به سر داشتند تا قیافه‌هایشان مشخص نباشد. همچنین با طرز پیچیدن آنها مشخص بود تصادف صوری است و قصد اخاذی دارند. از طرفی از مدتی قبل من با زنی جوانی اختلاف داشتم و احتمال دادم که آنها از سوی آن زن اجیر شده باشند و می‌خواهند از من انتقام بگیرند. به همین خاطر به آنها گفتم که شکایتی بابت تصادف ندارم و خسارتی هم نمی‌خواهم. خواستم خودرویشان را از جلوی خودروی من کنار بکشند تا من بروم، اما سه مرد جوان قبول نکردند و اصرار داشتند از خودرو پیاده شوم و پس از بررسی تصادف، خسارت‌م را بگیرم. آنها می‌گفتند احتمال دارد من از آنها شکایت کنم و اصرار داشتند از خودرو پایین بیایم، اما من که از نیت آنها باخبر بودم قبول نکردم تا اینکه دو نفر از آنها پیاده شدند و مرا به زور خودروی خودشان کردند و به راه افتادند.»

■ ساعت شکنجه

وی ادامه داد: «سه مرد ناشناس با خودرو به اطراف تهران رفتند و مرا دو ساعت مورد ضرب و جرح و شکنجه قرار دادند. هر چندر التماس می‌کردم، فایده‌ای نداشت و آنها فقط مرا کتک

می‌زدند و بعد هم کارت عایم را همراه رمزش به زور از من گرفتند که ساعت جسد ۸ میلیون تومان از کارت‌م به کارت دیگری انتقال داده‌اند. ابتدا فکر کردم آنها قصد سرقت دارند، اما بعد از حرف‌هایشان فهمیدم که از سوی همان

حواشات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

یک زن اجیرمان کرد

تامردی را گوشمالی بدهیم!



زنی که با او اختلاف دارم، اجیر شده‌اند. یکی از آنها گفتم که اگر سا آن زن اختلاف‌م را حل نکنم دوباره به سراغم می‌آیند و این بار بالای بدتری سرم می‌آوردند. من از ترس قول دادم که اختلاف مالی‌ام را بازن جوان حل کنم و آنها هم مرا در خیابان خلوتی از خودرو به پایین انداختند و فرار کردند.

■ آشنایی در میهمانی

وی درباره آشنایی بازن جوان هم گفت: «مدتی قبل در میهمانی که از سوی افراد پولداری برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌ای تشکیل شده بود با زن جوانی به نام حمیرا آشنا شدم. او به من بودم حرف‌هایش او هم اثری در من نداشت.

وقتی حمیرا متوجه شد اصرار هایش فایده‌ای ندارد و من دیگر با او ارتباط برقرار نمی‌کنم و قصد ازدواج ندارم، شروع به تهدید کرد. فکر نمی‌کردم تهدیدهایش جدی باشد تا اینکه امروز سه مرد ناشناس به دستور او، مرا ربودند و مورد ضرب و جرح قرار دادند و الان از سه مرد آدم‌ربا شکایت دارم.»

■ بازداشت متهم

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی محسن اختیاری، بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی و شناسایی آدم‌ربایان در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران در نخستین بررسی‌ها متوجه شدند متهمان ۸ میلیون از کارت شش‌گی به کارت مرد معتادی منتقل کرده‌اند که مرد معتاد مدعی است کارت‌ش را فرخته است. پس از این مأموران تحقیقات خود را در شاخه دیگری ادامه دادند تا اینکه در بررسی‌های بعدی موفق شدند شماره پلاک خودروی آدم‌ربایان را به دست بیاورند. بررسی شماره پلاک نشان داد خودرو متعلق به مرد جوانی به نام فریبرز است. بنابراین مأموران، فریبرز را شناسایی و وی را بازداشت کردند.

منتم ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به آدم‌ربایی و اخاذی با همدستی دو نفر از دوستانش اعتراف کرد.

بدین ترتیب مأموران پلیس دو متهم دیگر را تحت تعقیب قرار دادند و چند روز قبل موفق شدند یکی دیگر از متهمان را بازداشت کنند. متهمان در بازجویی‌ها اعتراف کردند از آنجایی که شش‌گی بازن جوانی اختلاف مالی دارد کارت‌ش را زنج اجیر شده بودند تا شش‌گی را گوشمالی دهند. یکی از آنها گفت: «ما قصد آدم‌ربایی نداشتیم و فقط می‌خواستیم شش‌گی اختلاف مالی‌اش را با زن جوان حل کند، به همین خاطر روز حادثه او را سوار خودرویمان کردیم و سا او حرف زدیم. او هم قبول کرد و خودش ۸ میلیون تومان به ما داد و بعد ما هم رهایش کردیم.»

متهمان در ادامه به دستور قاضی پرونده برای تحقیقات بیشتر و مشخص شدن صحت و سقم اظهاراتشان در اختیار کارآگاهان پلیس قرار گرفتند.

هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه مأموران در تلاشند همدست فراری آدم‌ربایان را بازداشت کنند.

سرقت‌های سریالی

از رانندگان به شیوه بیهوشی

نکرده است. ساعتی بعد مرد ناشناس دوباره تماس گرفت و وقتی متوجه شد دروغش برملا شده، گفت که شوهرم را گروگان گرفته و باید برای آزادی او پول بدهم.»

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی محمدامین تقویان در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

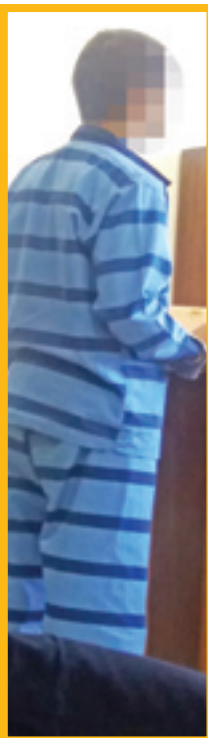
مأموران پلیس در نخستین اقدام موفق شدند متهم‌م را در یک قرار صوری دستگیر و از کامیوندار رها کنند.

منتم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت، راننده را به بهانه حمل بار به شهر استراا به اطراف تهران کشانده و با آمپوه مسموم بیهوش کرده و قصد اخاذی داشته که دستگیر شده است.

در حالی‌که تحقیقات درباره این‌ حادثه ادامه داشت مأموران پلیس با شکایت‌های مشابه دیگری روبه‌رو شدند که حکایت از آن مشابه

در خواست قصاص

برای مکانیک خطاکار



مکانیک جوان که به اتهام قتل همکارش بازداشت شده بود، در جلسه دادگاه بادرخواست قصاص از سوی اولیای دم مواجه شد.

به گزارش «جوان»، مرداد سال ۱۴۰۰، صاحب یک مغازه مکانیکی مأموران پلیس تهران را از قتل پسر جوانی به نام امین در مغازه‌اش باخبر کرد و گفت: «سال‌هاست در شرق تهران یک مغازه مکانیکی بزرگی دارم و در آن مغازه چند کارگر مشغول کار هستند. امین و دوستش به نام فرید چند ماه قبل در مغازه‌ام مشغول کار شدند. آنها از شهرستان به تهران آمده بودند و جایی برای خواب نداشتند، به همین خاطر قبول کردم شب‌ها در مغازه استراحت کنند. امروز وقتی مغازه را باز کردم با صحنه وحشتناکی روبه‌رو شدم. دیدم جسد امین خونین گوشه‌ای از مغازه افتاده و خبری از فرید نیست.» بعد از تماس آن مرد، مأموران به محل حادثه که در شرق تهران بود رفتند و با جسد خونین امین در کف مغازه روبه‌رو شدند که با اصابت میله آهنی به سرش به قتل رسیده بود. مأموران پلیس هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. روند تحقیقات نشان می‌داد هم‌زمان با وقوع جرم، فرید ناپدید شده‌است، بنابراین او به عنوان اولین مظنون به قتل تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه در پارگی حوالی مغازه مکانیکی شناسایی و بازداشت شد.

منتم به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او با اقرار به جرمش بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

پرونده در وقت رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. در ادامه منتم ۲۱ ساله در جایگاه قرار گرفت و با اقرار به جرمش گفت: «من وامین همدیگر را می‌شناختم و باهم در مغازه مکانیکی مشغول کار شدیم. من و امین هر دو بچه شهرستان بودیم و در تهران جایی برای خواب و استراحت نداشتیم و به همین خاطر با صاحب مکانیکی صحبت کردیم و او قبول کرد شب‌ها در مغازه بخوابیم. مدتی گذشت تاشی امین بالای سرم آمد و از من درخواست نامشروعی کرد. شوکه شدم و با عصیانیت جوباش را دادم. اما او اسیر شیطان شده‌بود و مرا از داد. او همان موقع فیلم سیاه تهیه کرد، ولی من متوجه نشدم. همین باعث شد او هر بار مرا تهدید کند تا به خواسته‌هایش تن دهم.»

منتم در حالی‌که هر سرش را بایین انداخته‌بود، در ادامه گفت: «از رفت‌های امین خسته شده‌بودم و از ترس آپرویم نمی‌توانستم در این باره با کسی صحبت کنم. حتی بارها تصمیم به خودکشی گرفتم، ولی از این کار هم ترسیدم. این شرایط ادامه داشت تا شب حادثه امین دوباره سراغم آمد و با تهدید اینکه فیلم را بخش می‌کند، خواست مرا از داد دهد. با شنیدن این حرف عصبانی شدم ولی او درشت‌هیکل بود و من نمی‌توانستم مقابلش مقاومت کنم. به همین خاطر میله‌ای که روی زمین افتاده‌بود برداشتم و چند ضربه به سر او زدم. سپس از ترس وسایلم را جمع کردم و فرار کردم ولی جایی رانداشتم. می‌خواستیم در شهرستان برگردم، اما خجالت می‌کشیدم و نمی‌توانستم به خانواده‌ام واقعیت را بگویم به همین خاطر به پارکی حوالی مغازه رفتم و آنجا مخفی بودم تا مأموران مرا شناسایی و دستگیر کردند.» منتم در آخرین دفاعش گفت: «در آن شرایط از زندگی خسته شده‌بودم، چون همیشه اسیر نیت شیطنی مقتول بودم. این شد که کنترل‌م را از دست دادم و مرتکب قتل شدم. چون به خاطر آپرویم، می‌ترسیدم با کسی صحبت کنم، اما الان متوجه شدم که اشتباه کرده‌ام و باید از قانون کمک می‌گرفتم.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

سارق آثار تاریخی دستگیر شد

صردی که با سرقت آثار تاریخی دوره ایلامیان از یک موزه، قصد فرورش آنها را در پایتخت داشت، دستگیر شد. به گزارش «جوان»، چندی قبل مأموران کلاکتری ۱۱۹ مهرآباد، به مردی که یک کوله‌پشتی مشککی رنگ به دوش انداخته و کنار یک خودروی پارک شده ایستاده بود، مشکوک شدند. آن مرد وقتی مأموران را دید به تلاش برای فرار پرداخت تا اینکه در عملیات تعقیب و گریز در حالی که قصد فرار داشت، با تلاش مأموران بازداشت شد.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: «مأموران در بازرسی منتم، ۱۳ قطعه انواع مختلف آثار تاریخی را از داخل کوله‌پشتی او کشف کردند. با کشف اموال، منتم به کلاکتری منتقل و در همان تحقیقات اولیه به سرقت آثار تاریخی از موزه اعتراف کرد و گفت قصد فروش آنها را در شهر تهران داشته‌است. با اقرارهای منتم، قطعات سرقتی در اختیار کارشناسان آثار تاریخی قرار گرفت و مشخص شد این قطعات مربوط به دوره ایلامیان است. منتم برای تحقیقات بیشتر به مراجع قضایی فرستاده شد.»

مفقودی

مدرک کارشناسی پیوسته رشته راهنمایی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن اینجناب سحر قادری فرزند عباس دارای شناسنامه به شماره ۳۳۱۵۳۲۲۰۰۳ صادره از سنندج مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از پاینده تقاضا می‌شود دانشنامه مذکور را به آدرس: میدان کرج خیابان امیری آکوارיום مرکزی پلاک ۲۱۲ کد پستی ۳۱۴۹۵۵۸۳۴ ارسال نماید. الف ل

مفقودی

برگ سبزو و کارت خودرو پژو ۲۰۶ تیپ ۲ مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی Nj۲۹۱۹۲۴ و شماره موتور ۱۷۶۸۰۱۷۲۸۰۱ و پلاک ایران ۷۵-۷۸۵۷-۵۲ به نام مریم فدایی با کد ملی ۳۰۴۰۶۹۲۳۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. شریاز

منتم به همین شیوه افراد دیگری را مسموم و از آنها اخاذی کرده است.

یکی از شاکیان، راننده تاکسی اینترنتی بود که شش‌گی خودروی او را از استراا به مقصد تهران کرایه کرده و پس از مسموم کردن اموالش را سرقت کردی بود. وی گفت: «منتم، خودروی مرا در شهر استراا به مقصد تهران کرایه کرد و من هم او را سوار کردم. در مسیر راه گفت که تشنه‌است، خودرو را نگه داشتم و او هم دو لیوان آب طلبی خرید و یک لیوان را خودش خورد و یک لیوان را هم من خوردم. وقتی خوردم بیهوش شدم تا اینکه پس از چهار روز داخل حیاطی به‌هوش آمدم و موفق به فرار شدم. بعد فهمیدم منتم، مرا در خانه‌ای که متعلق به خودش نبوده حبس و خودرویم را سرقت کرده است.»

در شهر استراا به مقصد تهران کرایه کرد و من هم او را سوار کردم. در مسیر راه گفت که تشنه‌است، خودرو را نگه داشتم و او هم دو لیوان آب طلبی خرید و یک لیوان را خودش خورد و یک لیوان را هم من خوردم. وقتی خوردم بیهوش شدم تا اینکه پس از چهار روز داخل حیاطی به‌هوش آمدم و موفق به فرار شدم. بعد فهمیدم منتم، مرا در خانه‌ای که متعلق به خودش نبوده حبس و خودرویم را سرقت کرده است.»

متمم را در یک قرار صوری دستگیر و از کامیوندار رها کنند.

احتمال دارد به این شیوه افراد دیگری را بیهوش و اموال آنها را سرقت کرده باشد. قاضی محمدامین تقویان دستور داد تصویر بدون پوشش او در روزنامه‌ها چاپ شود تا چنانچه افرادی به این شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند با شناسایی منتم برای شکایت به اداره آگاهی یا دادسرای امور جنایی تهران مراجعه کنند.

تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.

آگهی ابلاغ وقت مزایه

آقای هادی مطیعی فرزند مسمود با کد ملی: ۰۰۶۸۱۵۲۲۲۹ به نشانی: تهران باغ صبا- خیابان بیستون - خ مدائن- پلاک ۲۲ آق‌ای کیوان مطیعی فرزند مسمود با کد ملی: ۰۰۶۸۱۵۲۳۵۰ به نشانی: تهران باغ صبا- خیابان بی‌ستون - خ مدائن- پلاک ۲۲ بدین‌وسیله به اطلاع می‌رساند سند مالکیت شش‌دانگ یک‌دستگاه آپارتمان واقع در طبقه اول سمت جنوب غربی به مساحت ۷۱،۵۲ مترمربع که مقدار ۱۰،۰۴ مترمربع آن با لکن مسقف می‌باشد قطعه ۴ تفکیکی به شماره ۴۲۹۰۰ فرعی از ۱۶۳ اصلی مفروز مجزی شده از ۱۱۴۳۲ فرعی از اصلی مذکور واقع در فرقه سرد آباد با انضمام یک واحد پارکینگ به مساحت ۱۰،۵۰ مترمربع قطعه ۴ تفکیکی واقع در طبقه و شش‌دانگ یک‌باب انباری به مساحت ۲،۱۲ مترمربع قطعه ۴ تفکیکی واقع در طبقه همکف با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات که ذیل ثبت شماره ۹۰۳۸۱-۶ صفحه ۲۰۲ دفتر ۱۲۷۷۷ انتقالی از آقای نوراله کریم‌بخش اسفندآبادی و غیره برابر مسند شماره ۵۰۰۶ مورخ ۱۳۸۴/۰۲/۲۵ دفترخانه ۴۸ کرج به نام آقای مسعود مطیعی ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۴۶۸۶۴۸ صادر گردید که طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری مورخ ۱۳/۰۲/۱۴۰۰ شش‌دانگ عرصه و اعیان پلاک ثبتی ۱۶۳/۴۳۹۰۰ به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۵۸۲/۸ ریال برآورد گردیده‌است. مزایه‌ای از ساعت ۱۲ روز چهارشنبه ۱۳۸۵/۱۰/۱۴ در اداره اجرائی ثبت کرج واقع در میدان آزادگان ابتدای خیابان مطهری از طریق مزایده به فروش می‌رسد. این آگهی یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اقدام و عملیات اجرایی ادامه می‌یابد. م‌الف: ۱۷۷۷/ س‌پرست اداره اجرائی استاد رحیمی و نرطی کرج- س‌کینه والنج واجاری